مقدمه

اقسام مدلول تصوری

الان مدلول تصوری در این تقسیم‌بندی‌ها هست، واضح هم هست ولی اسمش برده نشده.

شما وقتی به کتاب لغت مراجعه می‌کنی در چه چیز کلام شک داری؟ از چه حیثی شک داری که می‌روی کتاب لغت نگاه می‌کنی؟ مدلول تصدیقی ای تصوری؟ مدلول تصوری. روشن است که در علقه وضعیه شک داریم. خب انسان این طور به ذهنش می‌آید که پس دیگر مدلول تصوری به مراجعه به لغت جوش خورده و مراجعه به لغت هم هر کجا هست، مدلول تصوری است و حال آن که این طور نیست یعنی هر کجا مراجعه به لغت هست دنبال یک نحو مدلول تصوری هستیم اما در بسیاری از موارد دنبال مدلول تصوری هستیم که با مراجعه به لغت برای شما حل نمی‌شود. چطور می‌شود؟! مدلول تصوری یعنی علقه وضعیه. نه! علقه وضعیه یک بخشی از مدلول تصوری است.

۱.مدلول تصوری مفردات

شما وقتی یک جمله‌ای را می‌گویی کلماتش مفرداتی دارد یعنی هر مفردی در کتاب لغت یک مدلول تصوری دارد که موضوع له آن را می‌گیرد

۲.مدلول تصوری کلام

اما وقتی در یک کلام با هم جمع می‌شوند، شما باشی و این کلام و معنای مفرداتش، در کلام مرکب قرائن داخلیه تشکیل می‌شود یعنی وقتی «رأیتُ أسدا» می‌گویی الان «شما» مطرح شدی، خصوصیات ِ«شما» دارد در مدلول تصوری کلام دخالت می‌کند؛ چون الان اسد مدلول تصوری لغوی‌اش که به میدان آمده با سایر قرائن داخلیه کلام که صرفا به تصور محض کلام مربوط می‌شود، نه تصور مراد متکلم ارتباط پیدا می‌کند؛با مراد متکلم کاری نداریم.

دور هرمونتیک

همین جا هم هست که آن دور پیش می‌آمد یعنی شما هرگز در معانی مفردات لغت دور ندارید، دور هرمونتیک[1] ندارید، شما کتاب لغت باز می‌کنی آب یعنی این، انسان یعنی این؛ کجا به دور ختم می‌شود؟ با دور ِتفسیری متن اصلا موجه نمی‌شوی اما وقتی یک متن داری آن وقت دور پیش می‌آید یعنی معانی لغوی که در ذهن شما فعال می‌شود می‌خواهید **قطع نظر از گوینده خاص**، قرائن حالیه و مقامیه آن‌ها را بیرون بگذاری، قرائن حال و مقام را بیرون بگذاری، قرائن لفظیه داخلیه موجود در کلام «صدر الکلام من أی متکلم» کاری نداریم چه کسی گفته باشد، این جمله را به اهل زبان با آن اطلاعاتی که از زبان دارند عرضه می‌کنیم و لذا در مثال‌های رایجی که داری تدریس فرمودی وقتی می‌گویی «رأیتُ أسدا یرمی» هیچ وقت ذهنتان سراغ این نمی‌رود که چه کسی گفته است؟ کجا گفته؟ همین برای شما کافی است، کامل برای شما کافی است، متکلم هر کسی می‌خواهد باشد، آن‌ها چیزهای بیرونی است ما می‌خواهیم بگوییم این زبان طوری است که قرائن

داخلیه خودش میرساند که این «أسد» یعنی رجل شجاع.

مدلول تصوری مجازی

لذا عرض ما این است که ما مدلول تصوری مجازی هم داریم اما برای کلام است، مدلول تصوری مفردات معنای حقیقی آن هست اما مدلول تصوری بسیاری از جملات با قرائن داخلیه و تناسب حکم و موضوع، در بطن خود کلام خودش را نشان میدهد، این نکته خیلی خوبی است قبلا هم من یادم است شاید چند بار هم بحثش شده بود، مدلول تصوری که خودش مجازی است ولی برای کلام است. در آن بحث تعارض احوال اصول همینها را نسبتاً مفصل بحث کردیم.

---

[1] یکی از مهمترین چیزهایی که در هرمونتیک دچارش هستند دور ِهرمونتیک است. آیا شما از کل میفهمید مقصود از مفردات را؟ یا کل را از مفردات میفهمید؟ دور ِسنگینی است. هر کدام هم در طول تاریخ خواستند این را جواب بدهند. و واقعاً هم ذهن ما چه کار میکند؟ شما از رأیت اسداً یرمی-از کل-فهمیدی که اسد یعنی رجل شجاع؟ یا از اسد فهمیدی که یعنی رجل شجاع؟ چه طور فهمیدی؟ کل، جزء را معنا میکند یا جزء، کل را معنا میکند؟ این مطلبی است. در حلّش هم حرفها دارند. سیاق و مفردات، در عرض هم هستند یا در طول هم؟ میگویند در عرض هم، دورباند. اما دوریشان را چه طور بایدجواب بدهیم؟ دور چه طوری؟ بگوییم دور ِ«مَعی» ؟ دور ِمَعی اینجا جواب نمیدهد. چرا؟ چون نقطهی آغاز و پایان دارد. ذهن ما شروع میکند از کلام یک چیزی را میفهمد و آخر کار هم تمام میکند. مثل آن دور جدول توانایی است که به دور درش بیاورند. برج متوکل را دیدید؟ برج متوکل در سامرا عکسش هست، با اسب هم میرفتند تا بالا که آنجا اذان بگویند. یک چیز بزرگی است، پلههای وسیعی هم دارد، با اسب میرفتند، بزرگ، تا بالا میرود. این پلهها به صورت مارپیچ، دور این برج میگردد، تا سر برج میرود.

دور هرمونتیک (به انگلیسی:(**Hermeneutic circle** در دانش هرمونتیک ناظر بر این مفهوم میباشد که شناخت اجزای یک اثر بواسطه فهم کل اثر مقدور میباشد و بالعکس. از این حلقه همچنین با عنوان حلقه ادراک (**Circle of Understanding**) نیز یاد میشود. از نظر شلایرماخر، این حلقه، متضمن یک دور باطل نبوده بلکه شالوده درک متون به روش هرمونتیک میباشد.(ساعت ویکی پدیا)

بازبینی #1
ایجاد شده 1 مارس 2025 12:52:41 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 مارس 2025 12:54:46 توسط ... .